

گزارش

ابتکار در تایلند:

کیفیت سوخت و هوای مابهبود یافته است

● **خبرآنانلین:** رئیس سازمان حفاظت محیط‌زیست سه‌شنبه‌شب در تایلند از بهبود کیفیت سوخت در یک‌سال گذشته خبر داد و گفت رئیس‌جمهوری بر کنترل آلودگی هوا تأکید دارد.

معاون رئیس‌جمهوری و رئیس سازمان حفاظت محیط‌زیست، در نشست تخصصی وزیران محیط‌زیست آسیا و اقیانوسیه درخصوص ارتباط میان سلامت و محیط‌زیست، وضعیت ایران و برنامه‌ریزی‌های انجام‌شده برای کاهش آلودگی هوا را تشریح کرد. این نشست در بانکوک، پایتخت تایلند، برگزار می‌شود و روز چهارشنبه نیز ادامه دارد. وی با اشاره به مقاله مجله «کره ما» و بررسی چالش‌های ایران در خصوص آلودگی هوا و تغییر سیاست‌ها و برنامه‌ها به منظور کاهش آلودگی هوا و بهبود سلامت مردم، گفت با گذشت هشت سال از این جریان، دولت شروع به برنامه‌ریزی، تدوین استراتژی و فعالیت‌های بین‌بخشی به منظور کنترل آلودگی هوا کرد. رئیس سازمان حفاظت محیط‌زیست، گفت دکتر حسن روحانی، رئیس‌جمهوری ایران نیز برای اجرای این برنامه، بسیار جدی است. وی گفت کیفیت سوخت در ایران طی یک‌سال گذشته افزایش یافته و بهتر شده و کیفیت هوا نیز نسبت به سال قبل بهبود قابل‌توجهی داشته است. دکتر ابتکار تأکید کرد با وجود مشکلات پیش‌رو، در بخش‌های مختلف برنامه‌ریزی‌های بلندمدت، بین‌بخشی، علمی و سازوکارهای انریخش در جریان است. وی که به‌عنوان سخنان اصلی، نقطه‌نظرات تخصصی خود را درخصوص اثرات متقابل محیط‌زیست و سلامت ارائه می‌کرد، همچنین گفت آلودگی محیط‌زیست و آلودگی هوا، تغییر اقلیم و بیماری‌های جدیدی را به‌وجود آورده است. به گفته رئیس سازمان حفاظت محیط‌زیست، بیماری‌هایی چون ضعف سیستم ایمنی، سرطان و بیماری‌های قلبی ناشی از آلودگی محیط‌زیست، باری بر اقتصاد و اجتماع تحمیل کرده‌اند. وی تأکید کرد: تصمیم‌گیرندگان، باید بدانند این موضوعات چگونه با مبانی علمی، مرتبط می‌شوند. در منطقه آسیا و اقیانوسیه چهارمیلیارد و ۲۰۰ میلیون نفر زندگی می‌کند که با چالش‌های جدی در خصوص آلودگی هوا، آب، مواد شیمیایی و... روبه‌رو هستند.

ابتکار خطاب به وزیران شرکت‌کننده در این نشست تخصصی، گفت: ما نیازمند آب و خاک پاک‌تر، غذای سالم‌تر و کاهش سم و کود در کشاورزی هستیم. وی گفت: خاک به غذا ختم می‌شود، پس اثر مهمی بر سیستم ایمنی و بهداشت دارد، آلودگی‌های شیمیایی بر سیستم عصبی اثر می‌گذارند و موجب جهش‌های نامطلوب ژنتیکی می‌شوند.

ابتکار در جلسات مختلف برنامه محیط‌زیست سازمان ملل (یوان‌ای‌پی) که تا روز چهارشنبه با حضور وزیران و مقامات محیط‌زیست بیش از ۴۰ کشور منطقه برگزار می‌شود، چالش‌های سلامتی و محیط‌زیست که می‌تواند به طور منفی توسعه اقتصادی منطقه را به خطر بیندازد، مورد بحث و گفت‌وگو قرار می‌دهد. معاون رئیس‌جمهوری ایران مدیریت نشست‌های متعدد این اجلاس را در زمینه تغییرات آب و هوا و همچنین رابطه محیط‌زیست و سلامت برعهده دارد. رئیس سازمان حفاظت محیط‌زیست در تایلند اعلام کرد ایران تا پایان قرن ۲۱ افزایش چهار تا پنج‌درجه‌ای دمای هوا را تجربه می‌کند، در حالی که هدف‌گذاری میانگین افزایش دما در جهان یک و نیم تا دو درجه سانتی‌گراد است.



مجید خاکپور

بناست به دیدن مردی برویم که با «هزارساله‌گان» سرو و سَرْی داشته و مدعی است فردوسی را با دستان خودش دفن کرده است؛ «به هرکس می‌گویم فردوسی را من دفن کردم، باور نمی‌کند». در محوطه آرامگاه یا به گفته خودش باغ، رخ‌به‌رخ مقبره مرمر نشسته است، ساکت، مثل سنگ، تا رسیدن ما. دست می‌دهیم، محکم‌تر از معمول، پنجه‌ها را دور دستم قفل می‌کند و زور می‌آورد، رد قوت جوانی را در پیشانی طریش می‌جوید. پسرش که با جای پای او گذاشته و نگهبان مجموعه است، کنارما ایستاده است، می‌خندد «حاج‌آقا از پهلوان‌های قدیمه»، پیرمرد اسطقس‌داری است. کم‌کو است،

اما حرف‌هایی دارد که تعداد زندگان آگاه از آن، احتمالا از تعداد مردگان کمترند. شاید در هیچ کتاب تاریخی یا خاطرات آدم‌هایی که در ساخت آرامگاه فردوسی دست داشته‌اند، نامی از «قاسم ارفع» نیامده باشد، اما او هست، او یکی از فراموش‌شدگان بزرگ تاریخ است؛ یکی از آنها که سنگ‌های اهرام مصر یا دیوار چین یا پارسه (نخت جمشید) را به کرده کشیدند و هیچ‌جا نامی از آنها برده نشد. او را مش قاسم صدا می‌کنند، سرکارگر بازسازی آرامگاه فردوسی در دهه ۱۳۴۰ بوده است. کارش فقط به دستور دادن ختم نمی‌شده است «تمام این سنگ‌ها روی شانه من آمد پایین و روی شانه من رفت بالا. هر جا گیر می‌کردند، هر جا زور می‌خواستند، داد می‌زدند مش قاسم کجایی؟» اما آنچه داستان او را متفاوت می‌کند، جابه‌جایی سنگ‌های گران نیست؛ «قبر فردوسی را خودم چاک دادم، استخوان‌هایش را درآوردم و ساخت آرامگاه که تمام شد، خودم دوباره فردوسی را دفن کردم».

در گور فردوسی کوتی از استخوان بود و دود و جمجمه

سال ۱۳۴۳، ۳۰ سال پس از ساخت آرامگاه فردوسی با طرح کنونی که توسط کریم طاهرزاده بهزاد ترسیم شده بود، نشست سازه سنگین و کوچک‌بودن اتاقی که قبر فردوسی در آن قرار داشت، کار را به تخریب و بازسازی مجدد رساند؛ «سنه ۱۳ تا آرامگاه را ساختند، من هم همان سال دنیا آمدم. پدرم ساخته‌شدن آرامگاه را دیده بود. اما سال ۴۳ گفتند باید خراب شود، حکمش از تهران آمد. قبر فردوسی یک جای کوچکی بود، شاید یک اتاق سه در چهار، نفر ۱۰ که می‌رفتند داخل. دیگر برای کسی جا نبود. این بود که گفتند خرابش کنید».

دستش توی هوا می‌چرخد، انگار هم‌حالا در کار است «چوب‌بست، بستیم و رفتم تا سقف، از بالا یکی‌یکی سنگ‌ها را کندیم و آمدم پایین. یک معماری داشتیم به نام شاه‌غلام، همه سنگ‌ها را به‌ترتیب شماره می‌زد و می‌برد از عقب باغ می‌چید و می‌آمد جلو. به کمر کار که رسیدیم، خراب نمی‌شد دیگر، بس که سفت بود، از ساروج بود. مجبور شدند با باروت خرابش کنند، خرده‌سنگ‌ها پرت می‌شد تا دهات اطراف».

دیگر بنایی در کار نیست، به کف می‌رسند، به قبر

فردوسی. طبق نقشه‌ای که مهندس هوشنگ سیحون و حسین جودت دارند، ظاهر و نمای آرامگاه همان طرح قبلی است، اما در قسمت داخلی آرامگاه باید تغییرات زیادی انجام شود. فردوسی باید بعد از هزار سال سر از قبر برون آرد، در هوایی تازه نفس بکشد و چهره دیگری از دنیا را ببیند و آن کسی که باید دست فردوسی را بگیرد و او را از آن گودال کهن و پوده بیرون بکشد، مش قاسم است، «به‌هرصورت بود خراب کردند و آمدند تا کف، ماند جای قبر، گفتند می‌خواهند قبرش را چاک بدهند. خیلی‌ها فکر می‌کردند فردوسی حتما کنجی، چیزی دارد. آن روز که قرار بود قبر را چاک بدهم و فردوسی را از گور دربیاورم، از تهران و مشهد خیلی‌ها آمدند، استاندار، فرماندار، شهردار، فرمانده لشکر، اوووو، خیلی‌ها بودند. دور تا دور محوطه را صندلی چیدند. قبر را خودم چاک دادم، به پایین که رسیدم، ته یک گودالی دیدم یک کوت استخوان است که دو تا کله (جمجمه) دارد؛ کله‌های بزرگی هم بود. فرماندار به شوخی گفت فردوسی دو تا کله داشت! بعد هرچی استخوان بود جمع کردم و گذاشتم توی یک پارچه سفید، بعد گذاشتمش توی یک صندوق و بردمش دفتر».

به جمع گوریه‌گورهای تاریخ یک نفر دیگر را هم باید اضافه کرد؛ حکیم ابوالقاسم فردوسی. آمده‌ایم کنار سنگ قبر بزرگش که در طبقه پایین، زیر نمای آرامگاه قرار دارد؛ سنگی آن‌قدر بزرگ که خیال همه راحت است کسی که آن زیر خوابیده تازمانی‌که اسرافیل در صور بدمد، شانه‌به‌شانه هم نمی‌تواند بشود. مش قاسم بالا را نشان می‌دهد «قبر فردوسی آن بالا بود، اینجا نبود که، هفت متر کود کردند، این محوطه را ساختند و دوباره سنگ‌ها را به همان چهار سال طول کشید. تمام سرچایش، چیدن رفت بالا، مثل روز اولش، هیچ فرقی

جامعه



روایت مردی که فردوسی را دفن کرده است

باهزارساله‌گان

نکرد. تمام این سنگ‌ها روی شانه من آمد پایین و روی شانه من رفت بالا. هر جا گیر می‌کردند، هر جا زور می‌خواستند، داد می‌زدند مش قاسم کجایی؟ آن سنگ بالا را دیدی؟ بهش می‌گویند سنگ جمشید (سنگ یک‌تکه و بزرگی که نقش فروهر روی آن حک شده است و بالای مقبره در ضلع جنوبی قرار دارد)، شاید دو، سه تُن وزن داشته باشد، هیچ‌کس نمی‌توانست بردش بالا، من نشستم پای قَرقر که جرتقلیل کوچکی بود و خیلی زور داشت، سنگ را نمودید کردم و با سیم بسکل بستم و دادم بالا، به‌خاطر همین کار به من یک ماه اضافه‌کاری، پاداش دادند».

فردوسی چهل سال بیرون از قبر بود

کار ساخت آرامگاه که تمام می‌شود، زمین به اندازه نگاه‌داشتن باقی‌مانده فردوسی آغوش باز می‌کند، جای استخوان در گور است «کار که تمام شد، دوباره استخوان‌ها را همان‌طور که بود آوردم گذاشتم توی قبر جدید. روزی هم که می‌خواستم فردوسی را بگذارم توی قبر خیلی‌ها آمده بودند، خیلی عکس‌برداری کردند، ولی به خودم هیچ عکسی ندادند. حالا به هرکس می‌گویم فردوسی را من دفن کردم، باور نمی‌کند».

خُب از کجا باید باور کرد «مدرک و سندی که ندارم، اما دو، سه تا از بچه‌های روستا که آن زمان با ما کار می‌کردند، شاهدند. بیشترشان مرده‌اند، اما چندتایی هنوز مانده‌اند».

فردوسی چند سالی بیرون از دنیای مردگان بوده است، بین سال‌های ۱۳۴۳ تا ۱۳۴۷ «خیلی‌ها نمی‌دانند، اما فردوسی چند سال اصلا توی قبر نبود، از زمانی که آرامگاه را خراب کردند و قبر را چاک دادم و فردوسی را بیرون آوردم، تا زمانی که آرامگاه ساخته شد و دوباره گذاشتمش سرچایش، شاید چهار سال طول کشید. تمام این چهار سال هم توی همان جعبه بود، گوشه دفتر».

ساخت آرامگاه تمام می‌شود، کارگرها را راهی می‌کنند سر خانه زندگی‌شان، مهندس‌ها باروبنه می‌بندند، اما او می‌ماند، ۳۰ سال دیگر، کنار فردوسی؛ «مهندس جودت، گیو جودت، وقتی می‌خواست برود گفت دوست داری تو را کجای باغ بگذارم برای کار؟ گفتم هر جا که دوست داری؟ خلاصه گذاشتندم دم در، ۴۰ سال از عمرم را توی همین باغ گذاردم. خیلی برای این باغ زحمت کشیدم. روستای ما دیواربه‌دیوار آرامگاه است، همین‌جا دنیا آمدم، پدرم هم، قبل از خدمت توی باغ، شاگرد گل‌کار بودم، از خدمت که آمدم بعد از چند سال، کار ساخت آرامگاه شروع شد، بعدش هم ۳۰ سال دم در وایستادم».

یک‌روز قبل از سالروز بزرگداشت فردوسی (۲۵ اردیبهشت) است و با او در باغ هستیم. مش قاسم آدم‌ها را نشناخته می‌دهد «می‌بینی، خبری نیست. اول انقلاب خیلی مسافر اینجا می‌آمد، تا روزی ۱۵-۱۶ هزار نفر می‌آمدند. از روی بلیت آمار داشتیم، اما الان خبری نیست». دور آرامگاه قدم می‌زنیم، کُند و سنگین راه می‌رود، روی دیوار در ضلع شرقی، شعری حک شده است، روبه‌رویش می‌ایستد «بخوان، برایم بخوان، بی‌سودم، خودم هیچ‌وقت نتوانستم شاهنامه بخوانم، اما چند تا از شعرهایش را که برایم خوانده‌اند، حفظم. فردوسی مرد بزرگی بود، اگر نبود الان باید به زبان عربی حرف می‌زدیم».

بدین نامه بر عمرها بگذرد / بخواند هر آن کس که دارد خرد

جهان از سخن کرده‌ام چون بهشت / از این پیش تخم سخن کس نکشت

بسی رنج بردم در این سال سی / عجم زنده کردم بدین پارسی

رخ لاله‌گون گشت بر سان ماه / چو کافور شد رنگ ریش سیاه

ز پیری خم آورد بالای راست / هم از نرگسان روشنایی بگماست

کنون عمر نزدیک هشتاد شد / امیدم به یک‌باره بر باد شد

سر آمد کنون قصه یزدگرد / به ماه سَفَندار مَدَ روز آرد

شعر که به اینجا می‌رسد، زمزمه می‌کند، پیر و خش‌دار؛

کنون عمر نزدیک هشتاد شد / امیدم به یک‌باره بر باد شد

سرآمد کنون قصه یزدگرد / به ماه سَفَندار مَدَ روز آرد

انگار چیزی را انتظار می‌کشد، عاقبتی محتوم که فردا یا پس‌ان‌فردا در خواهد زد «الان ۸۱ سالمه، از دوست‌ها و همکارهای آن زمان چندتایی بیشتر

نماندند، حالا کی خط قرمزی برای ما بکشند، دیگر دست خداست. خیلی دلم می‌خواهد کنار فردوسی دفنم کنند، اما نمی‌گذارند، نمی‌شود؛ ما که کسی نیستیم، باید بیرندمان توی همان قبرستان روستا که پدر و مادر و همه فامیل‌مان آنجا هستند. ما کسی نیستیم»



سودوکو سخت ۱۲۶۲

قانون‌های حل جدول سودوکو:

۱- در هر سطر و ستون باید اعداد یک تا ۹ نوشته شود. بدیهی است که هیچ عددی نباید تکرار شود.

۲- در هر مربع ۳×۳ اعداد یک تا ۹ باید نوشته شود و در نتیجه هیچ عددی نباید تکرار شود.

سودوکو ۱۲۶۲

سودوکو Sudoku یک واژه ترکیبی ژاپنی به معنای عددهای بی‌تکرار است و امروزه به جدولی از اعداد گفته می‌شود که به عنوان یک سرگرمی رایج در نشریات کشورهای مختلف به چاپ می‌رسد.

حل سودوکو سخت

۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹
۶	۸	۷	۴	۲	۱	۵	۹	۳
۴	۳	۵	۸	۱	۷	۲	۹	۶
۷	۵	۹	۲	۱	۳	۸	۴	۶
۳	۱	۲	۶	۸	۵	۷	۹	۴
۲	۶	۸	۵	۷	۹	۴	۱	۳
۵	۴	۱	۹	۲	۶	۳	۸	۷
۲	۷	۶	۳	۸	۱	۹	۵	۴
۸	۹	۳	۱	۵	۶	۷	۲	۴

حل سودوکو ۱۲۶۱

۹	۶	۲	۷	۸	۵	۴	۳	۱
۱	۳	۵	۲	۶	۸	۷	۹	۴
۴	۷	۸	۱	۳	۶	۵	۲	۹
۶	۵	۹	۸	۲	۱	۳	۴	۷
۳	۱	۴	۵	۷	۶	۹	۲	۸
۲	۸	۷	۳	۴	۱	۶	۵	۹
۷	۲	۳	۶	۱	۸	۵	۹	۴
۸	۹	۶	۲	۵	۲	۷	۱	۳
۵	۴	۱	۳	۹	۷	۲	۸	۶

جدول ۲۲۶۴

۱۵	۱۴	۱۳	۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱
۱	۵	۱	۲	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱
۲	۵	۱	۲	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱
۳	۵	۱	۲	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱
۴	۵	۱	۲	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱
۵	۵	۱	۲	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱
۶	۵	۱	۲	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱
۷	۵	۱	۲	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱
۸	۵	۱	۲	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱
۹	۵	۱	۲	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱
۱۰	۵	۱	۲	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱
۱۱	۵	۱	۲	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱
۱۲	۵	۱	۲	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱
۱۳	۵	۱	۲	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱
۱۴	۵	۱	۲	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱
۱۵	۵	۱	۲	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱

دریچه

۴۵ برنامه‌وزارت بهداشت برای پرستاران

● **ایستا:** معاون پرستاری وزارت بهداشت ضمن تشریح برنامه‌های وزارت بهداشت در حوزه پرستاری و در سطح جامعه از آغاز تربیت ۱۰هزار بهیار خبر داد. محمد میرزاییکی، درمورد برنامه‌های امسال وزارت بهداشت در حوزه پرستاری با بیان اینکه امسال حدود ۴۵ برنامه‌کاری در حوزه پرستاری داریم، گفت: این برنامه‌ها با رویکرد آموزشی - علمی، بالینی و سطح جامعه و امور غیربالینی نظام سلامت مثل بهداشت، پیشگیری و... است که معاونت پرستاری آنها را انجام می‌دهد.

وی با تأکید بر اینکه معاونت پرستاری، معاونت پرستاران نیست بلکه معاونتی است که فعل مراقبت و پرستاری را دربر می‌گیرد، اظهار کرد: در زمان نبود معاونت این‌بخش مغفول مانده بود. درحال حاضر امیدواریم بتوانیم در این عرصه فعال بوده و حوزه مراقبت‌های پرستاری را که فقط منحصر به بیمارستان نیست و به کل سطوح جامعه یعنی ارتقای سلامت، پیشگیری از بیماری‌ها، درمان بیماری‌ها و توان‌بخشی مربوط می‌شود انجام دهیم. میرزاییکی مراقبت‌های پرستاری را در تمام دنیا در عرصه‌های ارتقای سلامت، پیشگیری از بیماری‌ها، درمان بیماری‌ها و توان‌بخشی جاری دانست و با تأکید بر اینکه این مباحث نباید از دید ما نیز مغفول بماند، افزود: برای سطح جامعه ما دو برنامه بسیار برجسته داریم. یکی از این برنامه‌ها توسعه بحث مراقبت‌های پرستاری در سطح جامعه و منازل است که قبلا وجود داشته اما عملکرد آن، شرح وظایف، تعرفه‌ها و نظارت‌ها در این‌زمینه ضعیف بوده است. معاون پرستاری با بیان اینکه بخش‌نامه‌های این برنامه نوشته شده و به‌زودی کارهای آن انجام می‌گیرد، ادامه داد: بحث بعدی توسعه اندیشه‌ای به نام «پرستاران پرک‌تیشر» است؛ یعنی پرستارانی که لزوماً در درجات تحصیلی کارشناسی‌اشد و دکترا نیستند، اما با گذراندن دوره‌های کوتاه‌مدت چهار تا شش‌ماهه می‌توانند در عرصه‌هایی تسلط پیدا کرده و در سطح جامعه فعال شوند. وی افزود: این پرستاران در سطوح دیگر نیز مانند گوارش، دیابت، سرطان، ارتوپدی و... می‌توانند فعال باشند؛ به این صورت که با گذراندن دوره‌های مربوط، تخصص پیدا کرده و به فعالیت در حوزه‌ای خاص بپردازند و مراقبت‌های پرستاری خود را به صورت تخصصی‌تر ارائه دهند. محل کار آنها سطح جامعه و سطح نظام سلامت کشور در محیط‌های بیمارستانی و غیربیمارستانی است.

به گفته میرزاییکی به‌طورکلی برای این پرستاران ۱۵ دوره را تعریف کردیم که امیدواریم امسال بتوانیم پنج دوره را در عرصه‌های موردنیاز مثل سرطان، گوارش، سالمندی و... ایجاد کنیم. بنابراین این دو کار دو نمونه از برنامه‌هایی است که در سطح جامعه و برای مردم خواهد بود.

میرزاییکی از آغاز تربیت ۱۰هزار بهیار خبر داد و اظهار کرد: اتفاقی که در عرصه کمک‌پرستاران یعنی رده‌هایی مثل بهیاری و کمک‌بهار افتاد، این بود که ما درحال‌حاضر، تربیت ۱۰هزار بهیار را کلیج زده و آغاز کردیم. شورای تخصصی نیز در این زمینه در معاونت پرستاری تشکیل دادیم که بر جاهایی که درخواست تربیت و آموزش بهیاری می‌دهند، نظارت خواهد کرد؛ به این صورت که توان آنها را سنجیده و اگر واجد شرایط باشند به آنها مجوز می‌دهد. وی مدت این دوره‌ها را یک‌ساله عنوان کرد و افزود: امیدواریم این کار به رفع کمبود نیرو در عرصه کمک‌پرستار که در گذشته وجود داشته اما به تدریج حذف شدند، کمک کند.

		۲	۷	۹				
			۶					۸
						۷		۹
					۴	۹		۱
					۵			۴
			۷					۶
					۳			۵
			۸		۱	۳		
					۴			۸

		۱	۳					
		۲	۷	۸	۱	۳		۶
			۴	۹	۲	۶		۷
		۲	۶	۸	۹	۳		
			۸	۴	۵	۲		
					۶			۵
			۵	۷	۸	۶	۹	۱
					۴	۵	۲	
				۵			۹	
				۲	۱	۹		۶

جدول ۲۲۶۵ ■ طراح: ییزن گورانی

افقی:

۱- زدوخورد- رمانی از رابرت لوئیز استیونسن، نویسنده انگلیسی است- طرز و شیوه- بادی که سرعت آن زیاد است- فرماندهان ۲- قلمی ساخته استیون اسپیلبرگ- دریاچه‌ای در مرز قزاقستان و ازبکستان- زادوولدکردن ۴- نوعی قایق پارویی- شکوه و جلال- شهر زعفران در استان خراسان رضوی ۵- درخت زبان گنجشک- از راه‌های انتقال گرما- تیغه پروانه- قوم آتِیلا ۶- چپاول- نوعی کامیون- ضمیر غائب ۷- ردپا- ضرورت‌داشتن زندان ۸- کندفهم- آتش- گلستان ۹- رهسپار- اوضاع جوی- بالاپوش بلند مردان قدیم ۱۰- ویتامین محلول در چربی- انحراف- توتیا ۱۱- نیروگاه مازندران- بازداشتن- زندگانی- نشانه جمع مؤنث عربی ۱۲- بسته نرم‌افزاری- روحانی زرتشتی- کودی ۱۳- اختراع‌کننده- جذب‌کننده- از شخصیت‌های رمان بئوایان ۱۴- جمع شیء- عصری از گروه هالوئن‌ها- ناسیونال ۱۵- ناسپاس- شاخه‌ای از فیزیک.

عمودی:

۱- هیولای خون‌آشام- بازده ۲- جنین- یکی پس از دیگری- غضب ۳- مامور گشت- عنوان جنگ‌هایی که پیامبر(ص) شخصا در آن شرکت داشت- شاخه‌ای از فیزیک که به شناخت نور می‌پردازد ۴- انجم بین‌المللی هواپیمایی جهان- خروس عربی- کناره ۵- برهنه- کاغذ کپی- همگی ۶- شهری در ایالت تورینگن آلمان- دومین حرف الفبای یونانی- طرز